

Islamic Knowledge and Insight

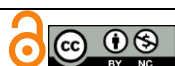
The Educational Role of the Functions of Divine Traditions for Humans from the Perspective of the Qur'an

1. Mohammad Amin Roshani: PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran
2. Jafar Najafpoor*: Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran. (Email: jafarnajafpoor@jmeil.com)
3. Hasan Mohammadi: Assistant Professor, Department of Education, Urmia Branch, Islamic Azad University, Urmia, Iran

Abstract

One of the most fundamental teachings of the Qur'an, which should serve as the cornerstone of the educational system for every Muslim and guide their steps along this path, is inspiration derived from the divine traditions mentioned in the Qur'an. According to the Qur'an, divine traditions are immutable laws that cannot be altered or transformed and are employed by God for the governance of the universe. By examining the teachings of the Qur'an, a collection of these immutable traditions and laws can be identified, each possessing unique educational functions. In addition to elucidating individual and social laws, they encompass diverse indications that play a significant and influential role in human life. Therefore, the findings indicate that a true understanding of these divine laws can assist people in every era to gain a clear interpretation of realities related to the universe and, based on this understanding, organize their philosophy and lifestyle in alignment with spirituality. This enables them to engage in a sound analysis and interpretation of the surrounding world. Awareness among the general public, particularly educators and pioneers in the field of education, regarding the functions of divine traditions, and the transmission of their educational and ethical aspects based on the verses of revelation, along with familiarizing learners at all levels with these concepts, undoubtedly paves the way for fostering education inspired by the verses of revelation in our Islamic society.

Keywords: Divine Tradition, Function, Qur'an, Human, Education.



How to cite: Roshani, M. A., Najafpoor, J., & Mohammadi, H. (2024). The Educational Role of the Functions of Divine Traditions for Humans from the Perspective of the Qur'an. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(2), 119-131.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 17 June 2024

Revise Date: 16 July 2024

Accept Date: 22 August 2024

Publish Date: 22 September 2024

معرفت و بصیرت اسلامی

نقش تربیتی کارکردهای سنت‌های الهی برای انسان از منظر قرآن

۱. محمد امین روشنی: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران
۲. جعفر نجف پور*: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (پست الکترونیک: jafarnajafpoor@jmeil.com)
۳. حسن محمدی: استادیار، گروه معارف، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

چکیده

یکی از اساسی‌ترین آموزه‌های قرآن که می‌بایست سرلوحه نظام تربیتی هر انسان مسلمان قرار گیرد و همگام با آن و در مسیر آن گام بردارد، الهام از سنت‌های الهی ذکر شده در قرآن می‌باشد. بر اساس تعریف قرآن، سنن الهی قوانین ثابتی هستند که تبدیل و تحویلی در آن‌ها راه نمی‌یابد و خداوند برای تدبیر جهان هستی به کار گرفته است، با نگاهی به آموزه‌های قرآن، می‌توان مجموعه‌ای از این سنت‌ها و قوانین ثابت را یافت که هر کدام کارکردهای تربیتی خاصی داشته و علاوه بر بیان قوانین فردی و اجتماعی، دربردارنده دلالت‌های متنوعی هستند که نقش بسیار مهم و اساسی و تاثیرگذار را در زندگی انسان‌ها دارند. بنابراین، نتایج حاصله گویای این است که، شناخت واقعی این قوانین الهی به انسان‌ها در هر زمانی کمک می‌کند تا تفسیری روشن از واقعیت‌های مربوط به جهان هستی داشته و بر پایه آن، فلسفه و سبک زندگی خویش را همپای با معنویت سامان دهند و با درکی صحیح به تحلیل و تفسیر جهان پیرامون بپردازند. آگاهی آحاد جامعه علی‌الخصوص مربیان و پیشگامان تربیتی به کارکردهای سنت‌های الهی و انتقال جنبه‌های تربیتی و اخلاقی این داده‌ها با تکیه بر آیات وحی و آشنا سازی مربیان در کلیه مقاطع، قطعاً زمینه‌های تربیت سازی با الهام از آیات وحی را در جامعه اسلامی ما فراهم و آماده می‌سازد.

کلیدواژگان: سنت الله، کارکرد، قرآن، انسان، تربیت

شبهه استناددهی: روشنی، محمد امین، نجف پور، جعفر، و محمدی، حسن. (۱۴۰۳). نقش تربیتی کارکردهای سنت‌های الهی برای انسان از منظر قرآن. *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۲)، ۱۳۱-۱۱۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۷ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۶ تیر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۱ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱ مهر ۱۴۰۳

مقدمه

بی‌شک یکی از مسائلی که در عصر حاضر باعث آسیب رساندن بر فرزندان امت اسلامی شده و آن‌ها را در خفقان گرفتار نموده است، ناآگاهی آنان از هنجارهای الهی حاکم بر زندگی افراد، ملت‌ها و اقوام است. با شناخت قوانین خداوند متعال در قرآن کریم، که در اصطلاح به آن «سنت‌های الهی» می‌گویند و همچنین کارکردهای تربیتی این سنن، عوامل بنا، امنیت، پایداری، بقا و توانمندی و عوامل تخریب، ترس، ویرانی و... شناسایی شده و با حرکت صحیح و اصولی در موازین آن‌ها کمترین آسیب به فرد و اجتماع می‌رسد، از آنجا که سعادت واقعی انسان میسر نیست مگر اینکه انسان زندگی خود بر اساس مقتضیات قوانین خداوند همراه کند. لذا قرآن کریم برای هدایت بشریت از بهترین و کاملترین نسخه‌ها استفاده نموده است و لایه لای قرآن سراسر پند و عبرت است.

یکی از مهمترین روش‌های تربیتی که در آیات قرآن برای تربیت و تعالی بشردر هر زمانی بیان شده «سنت‌های الهی» است؛ که روشی ثابت، استوار و بدون تغییر، فراگیر و دایم می‌باشد. شناخت صحیح سنت‌های الهی و کارکردهای تربیتی آن‌ها علی‌الخصوص برای معاصرین موجب می‌شود افراد جامعه اسلامی و بالتبع کلیت جامعه، راه صلاح و راستی را از بیراهه تشخیص داده و به هدف والای خود در مکتب اسلام که همانا رسیدن به قله سعادت است برسند.

از آنجا که سنت‌های الهی قوانین «لا یتغیر الهی» محسوب می‌گردند لذا مطالعه و بهره گرفتن و عبرت آموختن از تک تک آن‌ها، آینده را برای ما روشن می‌نماید، چرا که سنت‌های الهی فراگیرند و هر کس مرتکب عملی شود که اقوام گذشته آن را انجام داده‌اند، قطعاً همان سنت‌های معمول در حق گذشتگان گریبان‌گیر او نیز خواهد شد. از نظر قرآن، سنت‌های الهی حاکمیت دارند و چیزی نمی‌تواند حتمیت و قطعیت آن را از میان بردارد یا مانعی بر سر راه تحقق و جریان آن باشد. (آل عمران، آیه ۱۳۷؛ انعام، آیه ۱۱؛ اعراف، آیه ۸۶؛ نحل، آیه ۳۶) همین ویژگی عدم تبدیل و تحویل این سنت‌ها به ما کمک می‌کند تا همان طوری که آب و هوا را پیش‌بینی کنیم، بتوانیم

به پیش‌بینی اوضاع و احوال اجتماعی پردازیم و تحولات اجتماعی و کنش‌ها و واکنش‌های تاریخی را از پیش بدانیم و به چاره جویی پردازیم و توصیه‌هایی را برای آینده داشته باشیم. (آل عمران، آیه ۱۳۷؛ انعام، آیه ۱۱؛ اعراف، آیه ۸۶؛ نحل، آیه ۳۶) تاثیر عملکرد اقوام و ملت‌ها در شکوفایی یا سقوط تمدن‌ها، عذاب‌های نازل شده بر اقوام در اثر گناه و پیاده کردن آن سنت‌ها در زندگی و احساس لذت روحی و روانی کردن و..... مطالبی است که از تحقیق در سنت‌های الهی و نوع کارکرد تربیتی هر یک از آن‌ها، برای افراد روشن می‌شود. از این‌رو شناخت سنت و ویژگی‌های سنت‌های الهی و کاربردی نمودن آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی و بیان مصادیقی از آن‌ها می‌تواند برای افراد طالب سعادت، راه گشا باشد.

ادبیات تحقیق

تعریف سنت

سنت در لغت از ریشه ی «س ن ن» «سَنَنَ» است، از معانی لغوی که برای این واژه مطرح شده است «روان شدن»، «جریان یافتن» و یا «انجام عمل به سادگی و راحتی» برداشت می‌شود. ابن اثیر در معنای لغوی سنت می‌گوید: اصل معنای این کلمه بمعنی راه و روش است (Ibn Athir, 1985).

ابن منظور نیز سنت را این گونه معنا می‌کند. سنت به معنای صورت و آن قسمت از چهره است که به تو رو می‌کند... سنت خدا؛ یعنی احکام و امر و نهی او... و سنت به معنای سیره و روش نیز آمده است خواه پسندیده باشد و خواه ناپسند... در حدیث کلمه سنت و مشتقات آن فراوان تکرار شده و معنای اصلی آن راه و روش و سیره است (Ibn Manzoor, 1985). پس «سنت‌های الهی» یا همان سنت الله قوانین ثابت و اساسی «تکوینی» یا «تشریعی» الهی هستند که قابل دگرگونی و تغییر نیستند، به طوری که هم بر اقوام گذشته حاکم بوده اند و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهند کرد. یاری پیامبران، شکست کفار، لزوم عمل به فرمان‌های الهی هر چند ناخوشایند محیط باشد، عدم فایده توبه به هنگام نزول عذاب الهی و مانند اینها

جزء این سنت های جاودانی می باشند (Makarim Shirazi, 2007).

در حد وسط و مجموع تعاریف ذکر شده از این کلمه می توان نتیجه گرفت که سنت امری ساری و جاری و قانونی الهی است که بر جهان حاکم و نمود قدرت لایزال الهی را از درک این سنت ها می توان کشف نمود.

سنت در قرآن در دو معنی به کار رفته است.

سنت الهی به معنی قوانین و احکام و شرایع خداوند - که در تمام پیام های رسولان و انبیاء علیهم السلام که به قوم خود ابلاغ نموده و خداوند آن را در سوره نساء آیه ۱۱ الی ۲۵ بیان نموده و در آیه ۲۶ مقصود خویش را برایمان بیان نموده و فرموده: «... يَرِيدُ اللَّهُ لِيُبينَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء / ۲۶) خدا می خواهد برای شما توضیح دهد و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده اند به شما بنمایاند و بر شما ببخشايد و خدا دانای حکیم است. پس سنت خدا، یعنی شریعت و احکام او که برای همه امت های پیشین بیان کرده و در قرآن کریم نیز خواسته است برای ما بیان کند، این به ما نشان می دهد که سنت خدا، همانی است که او در کتابهایی که بر پیشینیان ما نازل کرده و پس از تحریف قرآن، بار دیگر در قرآن برای ما بازنگری می کند.

سنت بمعنی عدم تغییر عذاب الهی - هر امتی بر کفر، تکبر، استکبار، فساد و تحریف پیام های رسولان اصرار ورزد لاشک مورد عذاب الهی قرار خواهد گرفت. «وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا» (کهف / ۵۵) سنت قدما قانون عذابی است که خداوند عز و جل در اقوام اولیه قرار داده و آن ها را مبتلا کرده و به آن عذاب کرده است، بنابراین سنت قانون عذاب است و خداوند متعال آن را در آیات خود قرار داده است. و آن را در قرآن کریم به ما گفته است تا همه امت ها و مردم را از آن برحذر دارد. (وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا) استَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ إِلَّا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا (فاطر / ۴۲ و ۴۳) از مجموع آیات قرآن که در باره سنت های الهی بحث نموده این نکته استنباط می شود که منظور از «سنت» در این گونه آیات، قوانین ثابت و اساسی «تکوینی» یا «تشریعی» خداوند است که هرگز دگرگونی در آن رخ نمی دهد و به تعبیر دیگر، خداوند در عالم تکوین و تشریع، اصول و قوانین ثابتی دارد که همانند قوانین اساسی مرسوم در میان مردم جهان، دستخوش دگرگونی و تغییر نمی شود، این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد (Motahhari, 1991).

ویژگی های سنت الهی

الهی بودن آن ها - یکی دیگر از ویژگی های بارز سنن الهی، داشتن جنبه الهی بودن آنهاست که در آیات قرآن از آن ویژگی به سنت الله تعبیر شده است. (استَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا) (فاطر / ۴۳) [انگیزه] این کارشان فقط گردنکشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود، و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می برند؟ هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی یابی! (مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا) (احزاب / ۳۸) هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است!

-عام و فراگیر بودن - قرآن کریم می فرماید: (قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ) (آل عمران / ۱۳۷) پیش از شما سنت هایی بر مردمان گذشته است. پس در اطراف زمین سیر کنید تا ببینید عاقبت هلاک شدن آنان که

و عده‌های خدا را تکذیب می‌کردند. این (کتاب خدا) حجت و بیان است برای عموم مردم و پندی برای پرهیزکاران است.

تغییر و تحول‌ناپذیری - سنت‌های الهی قرآن کریم می‌فرماید: (...فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿٤٣﴾ فاطر ۴۳) آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند؟ سنت‌های الهی هرگز تغییر و تبدیل و تحول در آن‌ها صورت نمی‌گیرد.

عدم منافات و همگام بودن سنت‌های الهی با آزادی انسان - سنت‌های الهی در عین اینکه ثابت می‌باشند و تبدیل‌ناپذیری و فراگیر بودن از خصوصیات آنهاست اما در عین حال هیچ‌گونه منافاتی با آزادی انسان ندارد. زیرا انسان براساس قدرت انتخاب و آزادی خود هر راهی را که در این دنیا انتخاب کند، مشمول همان سنت‌های حاکم در آن مسیر خواهد شد. همان‌گونه که خداوند می‌فرماید: (...إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءً أَوْ فَلاحًا مَرَدًّا لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد/۱۱)) خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه آن‌ها خودشان را تغییر دهند این آیه در عین حال که تأکید روی سنت تغییر و تحول اجتماعی دارد، در عین حال آزادی انتخاب انسان را با قاطعیت نشان می‌دهد.

مراد از عدم هرگونه تبدیل و تحول در سنت‌های خدا منظور از "تبدیل" در سنت‌های الهی این است که سنتی از سنت‌ها و قانونی از قوانین موجود و حاکم در نظام هستی برخلاف جهت ذات خود عمل کند، مثلاً: عافیت و نعمت به جای عذاب و نفقت قرار گیرد، و منظور از تحول آن است که مثلاً: عذاب از قومی که مستحق آن است برداشته شود و به قومی که مستحق آن نیست متوجه گردد، و یا پدیده‌ای از پدیده‌های عالم برخلاف خاصیت ذاتی خود عمل کند. در تفسیر المیزان، مراد از عدم "تبدیل" و "تحویل" سنت خدا، چنین بیان شده است: "تبدیل سنت خدا" به این است که: عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت بگذارند، و "تحویل سنت" عبارت از این است که: عذاب فلان قوم را که مستحق آن می‌باشند،

به سوی قومی دیگر برگردانند، و سنت خدا نه تبدیل می‌پذیرد و نه تحویل؛ برای اینکه خدای تعالی بر صراط مستقیم است، حکم او نه تبعیض دارد و نه استثنا. همچنان که خدای تعالی مشرکان مورد نظر آیه را در جنگ بدر به عذاب خود گرفت و همگی را کشت. (طباطبایی ۱۸/۱۴۱۷/۲۸۷) در تفسیر اطیب البیان بررسی سه عنوان "تبدیل" "تحویل" "تغییر" مارا بیشتر با مفهوم آیه پیوند می‌دهد ایشان ذیل آیه مبارکه « فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا » (فاطر/۴۳) می‌فرمایند: در این گونه آیات سه عنوان داریم تبدیل تحویل و تغییر تبدیل عوض کردن است چیزی را بدل چیز دیگر قرار دهند مثل تیمم بدل از غسل و وضوء و تحویل جابجا کردن است شیء را از جای خود بجای دیگر برند از عالم دنیا بعالم آخرت تجارت را بزراعت سعادت را به شقاوت ایمان را بکفر نعمت را ببلاء و تغییر تغییر وضع و صورت است صحت و مرض حسن، و قبح رنگ برنگ و چون اشتباه و خطا و جهل و سهو در ساحت قدس ربوبی نیست سنت الهی در همه جا جاریست مگر مصلحت تغییر کند و اقتضاء عوض شود (Tayyib, 1999). برخی از تفاسیر در ذیل آیه ۴۳ فاطر که اشاره به عدم تغییر و تحول در سنن الهی دارد ذیل آیه را با ابتدای آن مقایسه و پیام این سنن را اینگونه بیان داشته اند برای نمونه در تفسیر نور در توضیح این آیه « اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا » (فاطر/۴۳) (نفرت آنان از حق) به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ بدشان بود، و نیرنگ بد جز اهلش را فرا نگیرد، پس آیا آنان جز سنت (خداوند را در مورد قلع و قمع) پیشینیان انتظار دارند؟ با آنکه برای سنت و قانون الهی هرگز جایگزینی نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نخواهی یافت» مراد از «تبدیل» یعنی چیزی را بدک چیز دیگر قرار دادن، مثل تیمم بدل از غسل، ولی «تحویل» به معنای تصرف در زمان یا مکان یا شکل و قالب یک چیز است بدون آنکه چیزی را جایگزین آن کنیم. اگر پزشک، شربتی را به بیمار داد و او به جای آنکه بخورد، شربت را دور ریخت و به پزشک گفت: آن را نوشیدم،

گمان می‌کند که سر پزشک کلاه گذاشته و به او کلک زده است، در حالی که بیمار خودش را فریب داده است، نه پزشک را. (لا یحییُّ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ سرچشمه‌ی فرار و نفرت از راه انبیا یا استکبار است یا حيله. (شاید استکبار از سوی کفار و حيله از سوی منافقان باشد و شاید استکبار بستر حيله‌گری خود مستکبر باشد). استکباراً... وَ مَكْرُ السَّيِّئِ نَتِجَةُ حِيلَةٍ به خود انسان برمی‌گردد و این سستی از سنت‌های تغیر ناپذیر خداوند است. (عقوبت و کفر تکبر و حيله به دیگری منتقل نمی‌شود). «لَا يَحْيِي الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ» (بد مکن که بد افتی ** چه مکن که خود افتی)

تاریخ دارای نظام و قانون ثابت است. (با نگاه به گوشه‌ای از تاریخ می‌توان قانون گوشه‌ی دیگر تاریخ را به دست آورد). و پروردگار در جامعه قانون‌ها و سنت‌های ثابتی را مقرر کرده است که در تمام اقوام و ملّت‌ها جریان دارد، نظیر سنت آزمایش، سنت امداد مؤمنان و سنت کفر حيله‌گران و مستکبران. آری، خوشبختی و بدبختی و عزّت یا سقوط جامعه، در گرو پیروی از سنت‌های الهی یا ترک آنهاست. فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا... تَحْوِيلًا (Qara'ati, 2004).

راه‌های شناخت سنن الهی

از آنجا که این سنن الهی بوده و از جانب خداوند می‌باشند لذا بهترین راه شناخت این سنن مراجعه به کتاب خدا "قرآن" می‌باشد. وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا (نساء ۱۲۲) و چه کسی در سخن از خدا راستگوتر است. قرآن در آیات متعدد به سنت‌های خداوند اشاره دارد، بازگو کردن و اشاره به لفظ سنت در قرآن غالباً بعد از بیان واقعه، داستان، یا عبرتی است. اصولاً در بیان شیوه‌های کشف یا شناخت سنن الهی می‌توان گفت از دو راه بیشتر نداریم.

وحی - وحی به عنوان یک پل ارتباطی بین خداوند و انسان به‌ویژه پیامبران دارای نقشی کانونی در ادیان ابراهیمی بوده است؛ وحی به‌معنای اشاره سریع و القای پنهانی مطلبی به دیگران آمده است. (ابن منظور: ۲۰۰۰م، ۳/ ۳۷۹) در اصطلاح دینی، به معنی القاء یک مطلب در ذهن و یا ادراک یک روش و سنت و یا نفوذ در نفس مثالی و برزخی است که در قرآن به آن اشاره شده است. و نیز ارتباطی معنوی

بین پیامبران با عالم غیب است که در آن، پیام خدا به پیامبر منتقل می‌شود. نتیجه این فرایند، آگاهی قطعی‌ای است که از ناحیه خداوند، به برخی از انسان‌های برگزیده عطا می‌شود، وحی چهارویژگی دارد که عبارتند از: تبادل مفهوم یا احساسی معنادار، مخفی بودن طرق ارتباط، سرعت روند ارتباط، و از مقوله کلام بودن یا قابل تبدیل به کلام بودن (Yaghoubian, 2019). از آنجا که وحی در عقیده مسلمانان از جانب خدا بوده و شکی در آن نیست و در کلامی منسجم به نام قرآن جمع شده لذا بهترین راه برای کشف سنت‌های الهی همان مراجعه به وحی (قرآن) می‌باشد، که با مطالعه و ژرف نگری در آیات آن می‌توان از سنت‌های الهی مطلع گردید.

تجربه: در قرآن کریم پیرامون تجربه، آیات فراوانی ذکر شده است. در آن جا که امر به تذکر، تعقل، عبرت گرفتن و اعتبار می‌شود، برای آن است که ذهن را برای فراگیری تجربه آماده کند. اصولاً یکی از روش‌های قرآن کریم، پند گرفتن از نتایج کارگذاشتگان است. یک قسمت مهم قرآن داستان‌گویی است، و در ضمن این داستانها، تأکید شده است که هدف قرآن، داستان‌گویی تنها نیست؛ بلکه برای آن است که دیگران پند بگیرند. «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ...» همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود. (یوسف / ۱۱۱) شنیدن داستان یا خواندن آن، خوب و نیکو است؛ ولی گرفتن تجربه از دین نقلها مهمتر است. اگر خداوند داستان و زندگی پیامبران و همچنین مصائب آنها را در قرآن برایمان بازگو می‌کند و برای دقت در آن تذکر داده می‌شود «فاذکر فی الکتاب» (مریم ۱۶)، برای آن است که تجربیات اقوام گذشته از لابلای آن متون بیرون آورده شود. ونقاط ضعف، دلایل شکست، پیروزیها یا خودمحموریها یا نتایج شرک و بت‌پرستی، پیروی از هوا و هوس و نتایج آن و بحثهای مفصلی که در هر کدام از داستانهای قرآن کریم به مناسبتهای مختلف آمده است، می‌تواند انسان را در کسب تجربه یاری دهد. داستان حضرت یوسف علیه السلام از آن جا که ابعاد اجتماعی، فرهنگی، عبادی، شخصی و نتایج فراوانی دارد، در قرآن به عنوان احسن القصص (یوسف/۱) یاد شده است. قرآن

کریم پس از تذکر و داستانگویی، این روش را وسیله‌ای برای کسب تجربه افراد عاقل معرفی کرده است. «عبره لا ولی الالباب» (یوسف / ۱۱۱) تجربه را می‌توان راهی عقلانی برای درک سنن الهی به شمار آورد، برای بدست آوردن تجربه، دقت در داستانهای تاریخ، علما، دانشمندان و اساتید، بسیار مؤثر است، از طریق تجربه سنن الهی که در زندگی جاری و ساری هستند کشف می‌شود، الهام از عملکرد بزرگان، راههای سیر در مسیر سنت‌های الهی را به ما می‌آموزد و انسان با کسب تجارب آنان و استفاده از آن تجارب در امور زندگی خود، بهتر می‌تواند، راه درست را از نادرست تشخیص دهد.

فوائد شناخت سنت‌های الهی

شناخت از هر چیزی باعث می‌شود که انسان با آگاهی و علم در آن مسیر گام نهد، خداوند در قرآن حرکت کورکورانه ما در چیزی که به آن علم نداریم را مذمت نموده و فرموده: (وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا) «اسراء/ ۳۶» و از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه‌ی اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. می‌توان گفت که قوانین الهی در جهان دو دسته هستند، یک دسته از آن‌ها مخصوص عالم تکوین بوده و پیوسته تا انقراض عالم ادامه خواهند داشت، مثل جاذبه زمین، سوزندگی آتش، حرکت سیارات و... آیا جهان ماده بدون وجود این قوانین می‌تواند وجود داشته باشد برای مثال اگر روزی جاذبه زمین وجود داشته باشد و روز دیگر وجود نداشته باشد، در یک روز آب در صد درجه به جوش بیاید و در روز دیگر در صفر درجه و...، چه وضعیتی در جهان پدید خواهد آمد لذا برای برون رفت از بی‌نظمی و هرج باید قوانین جهان مادی بر طبق یک سری قوانین و سنت‌های لایتنیغ اداره شود. یکی از بارزترین نمونه‌های سنت تکوینی، سنت هدایت عمومی موجودات است که آیه زیر به آن تصریح دارد: (بُنَا الْاَدَىٰ اَعْطٰی كُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰی) (طه، ۵۰) (پروردگار ما کسی است که به هر چیزی آفرینش آن را داد و سپس آن را هدایت کرد. در قرآن به نمونه این قانون که منجر به ثبات و دوام سال و ماه، و شب و روز، است، و پروردگار آن چنان

برنامه‌ای برای آن‌ها تنظیم کرده که کمترین دگرگونی در وضع آن‌ها پیدا نمی‌شود و تاریخ بشر به خاطر همین ثبات کاملاً تنظیم می‌گردد؛ اشاره شده است. (كَأَلَمْ نَشْمَسُ بِبَنِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) (سوره یس / ۴۰) نه برای خورشید سزاوار است که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد، و هر کدام از آن‌ها در مسیر خود شناورند. می‌دانیم که حرکت دورانی ماه در مسیرش دوازده بار از حرکت خورشید در مدارش سریعتر است، لذا می‌فرماید خورشید هرگز در حرکت خود به پای ماه نمی‌رسد تا حرکت یک ساله خود را در یک ماه انجام دهد و نظام سالیانه بر هم خورد. همچنین شب بر روز پیشی نمی‌گیرد که بخشی از آن را در کام خود فرو برد و نظام موجود به هم ریزد، بلکه همه اینها مسیر خود را میلیون‌ها سال بدون کمترین تغییر ادامه می‌دهند (Tabatabai, 1997). برای انسان‌ها نیز خداوند متعال قوانین و سنت‌های لا یتغیر دارد مثل این که می‌فرماید «وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ...» (فاطر / ۴۳) یعنی: "این نیرنگ‌ها تنها دامن صاحبانش را می‌گیرد." به بیان دیگر یکی از سنت‌های الهی این است که هر کس بدی و مکر و حيله کند، نتیجه اش به خودش بر می‌گردد. یکی دیگر از سنت‌های الهی این است که می‌فرماید: (...إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...) (رعد / ۱۱) یعنی: "...خداوند سرنوشت هیچ قومی (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند..." و همین‌طور است سنت آزمایش و امتحان انسان‌ها و صدها قانون و سنت دیگری که براساس حکمت خداوند ایجاد شده و در سراسر عالم رایج است اینها اساس نظم عالم هستند و اگر این سنت‌ها نباشند دیگر نظم و نظام معنی نخواهد داشت (Tabatabai, 1997). پس می‌توان نتیجه گرفت شناخت و آگاهی از سنت‌های خدا ثمرات ارزشمندی را به دنبال خواهد داشت که عبارتند از:

ایجاد و ظهور استعدادهای انسان و رفتن به مراحل بالاتر- با شناخت سنن الهی در حقیقت انسان مراحل ابتدائی را طی نموده و بر نردبان ترقی و رشد گام نهاده همانند کسی از کشندگی سم و پاکی غسل اطلاع داشته و مجبور به خوردن و آزمایش آن‌ها نیست.

رابطه‌ی موثر انسان با خود، دیگران، جهان و خداوند-

شناخت سنت‌های الهی باعث خودشناسی می‌شود و لازم آن درک بهتر خالق و ارتباط سازنده با جهان هستی خواهد بود، زیرا این انسان با علم به سنن الهی دریافته که در جهان هر عملی مساوی با عکس العملی خواهد بود.

درک عظمت خالق و بهره‌مندی از طبیعت و پدیده‌های

طبیعی - در جاهلیت، مردم، بر اثر پیروی کورکورانه از پیشینیان خویش به خرافاتی دچار شده بودند. از این رو برخی بهره‌وری از طبیعت را بر خود حرام کرده بودند شناخت و علم به قوانین الهی باعث درک بهتر و آشنایی بیشتر با خالق هستی خواهد بود.

منظور از کارکردهای تربیتی سنن الهی

کارکرد، در حقیقت به معنای اثر و نتیجه می‌باشد، منظور از کارکردهای تربیتی سنن الهی همانا نتایج و آثار ی است که بر سنن مترتب می‌شوند، و در ذیل این نتایج پیامی تربیت گونه برای نوع آدمی به همراه دارد. رخدادهای نظام هستی در ذات خویش وابسته به سیستم «کنش و واکنش» یا «اثر و باز اثر» هستند، فیزیک نیوتونی اعتقاد دارد که برای هرگونه کنش نیرویی متقابل در همان اندازه بازگشتی به واردکننده نیرو وارد می‌سازد، در عالم فراماده این امر را پیامد و کارکرد وضعی اعمال می‌نامند. به عبارتی هر عملی از خوب و بد، اثر وضعی دارد که در کوتاه‌مدت یا درازمدت خودش را نشان می‌دهد. سنت‌های الهی در جهان دارای به نسبت فرد و اجتماع دارای واکنش متقابل بوده و این یکی از حکمت‌های خداوند در نظام آفرینش است که عالم نسبت به کردارهای انسان بی تفاوت نیست و مقابل نیک و بد اعمال انسان واکنش از خود نشان می‌دهد.

آیات قرآن با تأکید بر واکنش نظام عالم هستی به رفتار انسان، ما را به اخلاقی زیستن و رعایت موازین اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی فرا می‌خواند و بیانگر نسبت دوستانه دین و اخلاق در عرصه تربیت اخلاقی است. برای مثال در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید: «و لو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء و الارض» «اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه

می‌کردند، برکت‌های آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم». (اعراف / ۹۶) (که این آیه شریفه حکایت از ارتباط میان کردار آدمی و رفتار نظام هستی دارد. این واکنش اعمال انسان صرفاً مختص سرای آخرت نیز نیست و در همین دنیا آثار این کردار به گونه‌ای منعکس می‌گردد).

آثار تربیتی کارکردهای سنن الهی بر انسان

بیشک تمام آیات قرآن حاوی پیام و رهنمونی ارشادی برای نوع انسان می‌باشند، در این بین آیاتی که بیانگر یکی از سنن الهی می‌باشند در ذیل خود علاوه بر تربیت سازی مخاطبان خویش او را به سه امر مهم آگاهی می‌بخشند که در حقیقت تاثیر و باز تاب رفتار و کردار انسان خارج از آن نیست.

آگاهی دادن به بازتاب رفتار انسان در نظام هستی و

زندگی فردی و اجتماعی

برخی آیات قرآن به روشنی بیان می‌کند که میان رفتار انسان و حوادث خارجی، ارتباطی وثیق برقرار است و انسان در همین زندگی دنیوی بازتاب رفتار نیک یا بد خود را خواهد دید. به تعبیر دیگر، یکی از علل وقایع و حوادث خیر یا شر در عالم، رفتار فرد انسان و یا اجتماع انسانی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲ / ۱۸۶، ۱۸۴) درواقع، هیچ عملی در نظام هستی گم نمی‌شود و از بین نمی‌رود؛ بلکه به عنوان یک موجود در نظام زنده و پویای عالم هستی که نظامی علی و معلولی، منسجم و هماهنگ است محفوظ می‌ماند و بر اجزای دیگر این عالم و از جمله بر خود عامل و صاحب عمل تاثیر می‌گذارد (Jawadi Amoli, 2009). برای نمونه آیه مبارکه «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَرْنَا عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَّبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» (مائده / ۶۵-۶۶) و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، قطعاً گناهانشان را می‌زدودیم و آنان را به بوستان‌های پر نعمت درمی‌آوردیم. و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سويشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از

بالای سرشان [از برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [از برکات زمینی] برخوردار می‌شدند. از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند، و بسیاری از ایشان بد رفتار می‌کنند. ابن عربی در شرح آیه فوق، ضمن تفسیری باطنی از ایمان و تقوا و اقامه تورات و انجیل، برکات آسمانی را علوم الهی و حقایق عقلی یقینی و معارف حقّانی نازل از مرتبه عالم والای روحانی دانسته است که انسان را به شناخت خدا و ملکوت و جبروت هدایت می‌کند؛ و برکات زمینی را علوم طبیعی و ادراکات حسی ناشی از مرتبه عالم جسمانی برشمرده است که شناخت عالم مُلک را برای انسان میسر می‌سازد (Ibn Arabi, 1989). در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم که «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» - و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم. (اعراف / ۹۶) «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِّن دُونِهِ مِنْ وَالٍ» (رعد ۱۱).. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. در واقع فیض الهی، گسترده است و همچون آب جاری جریان دارد و انسان‌ها و اقوام گوناگون با رفتارشان زمینه، استعداد و استحقاق دریافت این فیض عام را به تناسب حال خود فراهم می‌کنند؛ به این معنا که برخی استعداد و استحقاق دریافت خیر را مهیا می‌سازند و برخی استعداد و استحقاق دریافت شرّ و تغییر نعمت به نعمت را فراهم می‌آورند.

آگاهی بخشیدن به واکنش متقابل هستی به رفتار نوع آدمی

«ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم / ۴۱) - به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه کرده‌اند را به آنان بچشاند، باشد که بازگردند.

- و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شماست، و [خدا] از بسیاری درمی‌گذرد. (شوری / ۳۰)

آیات فوق به‌خوبی بیانگر رابطه اعمال انسان با وقایع و حوادث خیر و شرّ خارجی است و ارتباط نظام‌مند اجزای عالم را متذکر می‌شود. به این معنا که رفتار نیک یا بد فرد یا اجتماع انسانی، تأثیر مستقیمی بر نظام هستی داشته، خیر و صلاح یا شرّ و فساد در نظام طبیعت را به‌دنبال خواهد داشت. ایمان و تقوا و سپاسگزاری انسان‌ها، برکات آسمان و زمین را به روی آنان می‌گشاید و وسعت رزق و روزی مادی و معنوی را به همراه دارد؛ همچنان که ظلم و فساد و نافرمانی و ناسپاسی آنان، سبب اختلال و فساد در نظام طبیعت می‌شود و بی‌برکتی و سختی زندگی و تنگی معیشت را در پی دارد. درواقع، بنابر این آیات، نظام عالم هستی متناسب با رفتار انسان‌ها و واکنش نشان می‌دهد، به‌طوری که تغییر و دگرگونی مثبت و منفی در رفتار انسان، سبب تغییر و دگرگونی مثبت و منفی در اوضاع و احوال طبیعی و اجتماعی می‌گردد و موجب فراوانی و وفور نعمت و دفع بلا یا و رفع گرفتاری‌ها، یا کاهش نعمت و نیز تبدیل نعمت به نعمت و تغییر سرنوشت فردی و اجتماعی می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۶ / ۳۹ - ۳۸؛ ۸ / ۲۰۶ - ۱۹۹؛ ۱۱ / ۳۱۶ - ۳۱۲؛ ۱۶ / ۲۰۱؛ ۱۸ / ۶۰ - ۵۹) از دو آیه اخیر (روم / ۴۱ شوری / ۳۰) می‌توان دریافت که حوادث عالم به شکل معناداری تابع اعمال انسان‌هاست؛ یعنی میان کارهای زشت و حوادث ناگوار جهان طبیعت ارتباط وجود دارد؛ اما همان‌طور که خداوند گاهی اصل گناهان و بدی‌ها را عفو می‌کند، در تنبیه با حوادث ناگوار نیز گاهی با امهال رفتار می‌کند و تبهکار را فوراً نمی‌گیرد، بلکه به او مهلت توبه می‌دهد یا کمتر از بدی وی او را مؤاخذه می‌کند و بسیاری از خطاهایش را می‌بخشد (Jawadi Amoli, 2009). توجه به این آیات در باور به نظام اخلاقی یا نظام کنش و واکنش در عالم هستی، بسیار کارساز است و حساسیت و دقت انسان را نسبت به اعمال و رفتارش برمی‌انگیزد و درواقع، نوعی ضمانت اجرایی برای اخلاقی زیستن را در وجود انسان تقویت می‌کند. تأمل در چنین آیاتی، انسان را از حالت بی‌خبری و غفلت

نسبت به رفتار خارج ساخته، بصیرت اخلاقی او را افزایش می‌دهد؛ افزایش بصیرت اخلاقی، موجب کنترل و تنظیم رفتار با دیگران و طبیعت می‌شود. این کنترل و تنظیم روابط انسان با انسان‌های دیگر و با طبیعت، همان اخلاقی زیستن است که البته با شیوه‌های دیگری از جمله قانون‌گرایی و نظارت قانونی و قضایی نیز دست‌یافتنی است؛ اما انسان مؤمنی که از طریق باور دینی به نظام اخلاقی عالم هستی، اخلاقی زیستن را برگزیند، در غیاب عوامل و مجریان قانونی و قضایی نیز اعمال و رفتار را کنترل و تنظیم می‌کند.

آیات دیگری از جمله آیه «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا» (اسراء ۷) اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود [بد نموده اید] و چون تهدید آخر فرا رسد [بیابند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] درآیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند بر بازتاب اعمال نیک و بد انسان به خودش دلالت داشته، بیانگر نظام عادلانه تأثیر و تأثر میان انسان و عالم هستی‌اند (Tabatabai, 1997). توجه به این آیات انسان را به اخلاقی زیستن ترغیب می‌کند؛ زیرا وقتی دریابیم و باور داشته باشیم که نظام عالم هستی طوری طراحی شده است که رفتارمان را به ما بازمی‌تاباند، اعمال ریز و درشت خود را با دقت بیشتری کنترل و تنظیم می‌کنیم تا از یک سو با نیکوکاری و درستکاری، از بازتاب خوشایند کارهای نیک و درست بهره‌مند شویم و از سوی دیگر با پرهیز از کارهای بد و نادرست از بازتاب ناخوشایند آن کارها در امان بمانیم.

این جهان کوه است و فعل ما ندا * * * سوی ما آید نداها را صدا / (Rumi, 1993)

هشدار به تأثیر اعمال انسان بر زندگی خود و فرزندان و

آیندگانش

«وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا * إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا

يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا» (نساء / ۹، ۱۰) و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [بجا و] درست گویند. درحقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند، و به‌زودی در آتشی فروزان درآیند. تأمل در این آیات به‌خوبی نشان می‌دهد که از نظر قرآن بازتاب اعمال و رفتار انسان نه تنها در زندگی دنیوی و اخروی خودش، بلکه در زندگی فرزندان و ذریه و نسل‌های آینده او نیز تأثیرگذار است و نعمت یا مصیبتی که به انسان در زندگی دنیوی می‌رسد، چه‌بسا حاصل رفتار خودش و یا یکی از نیاکان و پیشینیانش باشد. ستم بر یتیمان و تجاوز به حقوق آنان و تصرف ظالمانه اموالشان، از یک سو انسان را گرفتار عذاب اخروی (آتشخواری و سوختن در آتش جهنم) می‌سازد و از سوی دیگر فرزندان و ذریه او را گرفتار ستمکاران خواهد ساخت که خود، موجب رنجش او در عالم برزخ می‌شود (Jawadi Amoli, 2009). همچنان که بنابر آیه‌ای دیگر که می‌توان آن را عکس آیه فوق در جانب خیر دانست، رفتار نیک و شایسته انسان‌های صالح در خیر و خوشبختی فرزندان و نوادگان آنان مؤثر است. در سوره مبارکه کهف در آیه ۸۲ خداوند پرده از این واقعیت برداشته و می‌فرماید: «وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا» (کهف / ۸۲) و اما دیوار، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود، و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو بود، و پدرشان [مردی] نیکوکار بود، پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را - که رحمتی از جانب پروردگار بود - بیرون آورند.... این آیه نشان می‌دهد که رفتار نیک پدر یا جد صالح این دو یتیم، احسان دو پیامبر الهی، حضرت موسی (ع) و حضرت خضر (ع) را در تجدید بنای دیوار و حفظ گنجینه متعلق به آن یتیمان در پی داشته است (Tabatabai, 1997).

پاسخ به یک شبهه

ممکن است آیات فوق با آیات دیگری از قرآن که هر کس را مسئول اعمال خود می‌داند و بار وی را بر دوش خودش می‌نهد و سود و زیان عمل نیک یا بد را متوجه خود عامل می‌داند، ناسازگار و ناهماهنگ به نظر رسد برای مثال «قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْغَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» بگو آیا جز خدا پروردگاری بجویم با اینکه او پروردگار هر چیزی است و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی‌دهد و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد آنگاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود پس ما را به آنچه در آن اختلاف میکردید آگاه خواهد کرد (انعام / ۱۶۴) همچنین آیات (جاثیه / ۱۵؛ اسراء / ۷؛ نجم / ۳۹) گویای این واقعیت می‌باشند.

جواب

باید گفت، از یک سو اعمال انسان، زنده و جاوید بوده، از فاعل خود جدا نمی‌شوند و از سوی دیگر، نسل گذشته، حال و آینده یک خانواده به‌خاطر وحدت رحم و خون و غذا و ثروت و... واقعیتی واحد بشمار می‌آیند؛ از این رو، هم اعمال گذشتگان در فرزندانشان مؤثر است و هم اعمال فرزندان آثاری برای گذشتگان پدید می‌آورد. چنان‌که خداوند مؤمنان صالح را همراه با ذریه و نسلشان در مجموعه‌ای خانوادگی گرد می‌آورد تا کنار همدیگر بیشتر لذت ببرند. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينَ» (طور / ۲۱) و کسانی که گرویده و فرزندان‌شان آن‌ها را در ایمان پیروی کرده‌اند فرزندان‌شان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار[ها]شان را نمی‌کاهیم هر کسی در گرو دستاورد خویش است البته این تأثیر و تأثر، نامحدود نیست و تنها در محدوده‌ای است که افراد دارای اشتراکات و پیوندهای رحمی، خونی و... هستند؛ اما وقتی روابط افراد از محدوده خون، رحم، غذا و ثروت بیرون رود و یک واقعیت واحد بشمار نیایند، دیگر بر هم اثر نخواهند داشت و هر کس مسئول کار

خویش است. بنابراین در آیات قرآن، رابطه انسان‌ها از دو بُعد بررسی می‌شود: از یک سو انسان‌ها افرادی مستقل و گسسته از پیوندهای نسبی و سببی و در گرو اعمال خویش‌اند و کارهای آنان برای یکدیگر سود و زیانی ندارد و از سوی دیگر، به‌خاطر اشتراک در رحم، خون، غذا و... واقعیتی واحد بوده، کارهایشان بر یکدیگر اثر دارد (Jawadi Amoli, 2009).

از میان واکنش‌های مشهود و آثار قابل مشاهده گناه حسب روایات اسلامی می‌توان به مواردی از جمله «قساوت قلب»، «سلب نعمت»، «قطع باران»، «کوتاهی عمر»، «افسردگی و اندوه»، «فقر عمومی» و... اشاره نمود. در واقع همین آثار وضعی نیز طبق قاعده قانون علیت عمل نموده و رابطه علت و معلولی متناسب با فعل انجام شده دارند، یعنی معلول رفتار و نتیجه طبیعی آن هستند و در شالوده قانون طبیعت مستتر هستند (و نه ناشی از خرق عادت در قوانین طبیعی). یعنی به عنوان مثال در نوع نگرش اسلامی به عالم هستی، افزایش طول عمر بر اثر صله ارحام، همانقدر طبیعی و محتمل است که زوال عقل یا کبد بر اثر شرابخواری.

جهان یک نظام قاطع و غیرقابل تبدیلی دارد و با ضمیمه شدن اصل «توحید مبدأ» ارتباط و پیوستگی قاطع و عمومی بین همه ی حوادث جهان استنباط می‌گردد. جهان هستی با یک سلسله نظامات و قوانین ذاتی و لایتغیر اداره می‌شود. به موجب آن هر شیء و هر پدیده مقام و مرتبه و موقع خاصی دارد، تغییر و تبدیل در آن راه ندارد. قرآن کریم، نه تنها قانونی بودن و سنت داشتن آفرینش را گوشزد می‌کند، برخی از سنن مخصوص را نیز معرفی می‌کند که این سنت‌ها عبارتند از:

۱. هیچ یک از اعمال خوب و بد فردی یا اجتماعی مردم، خارج از حوزه سنت‌های الهی نیست؛ بلکه عکس العمل هر یک از آن‌ها به مقتضای اثر وضعی و بر اساس راه‌های قانونمند انجام می‌پذیرد.
۲. حریم سنت‌های الهی باید هم چنان حفظ شود و نادیده رفتن آن‌ها حاکی از ضعف عقیده، طغیان فکری و طاغوت گرایی است، چرا که سنن الهی در مجرای اراده او است.

در نوع انسان خواهد پرداخت - ما را به اعتلای اخلاقی و فرهنگی در جامعه خواهد رساند.

پیشنهادهای کاربردی

۱. از آنجا که سنت‌های الهی و کارکرد تربیتی آن‌ها برای افراد جامعه به مانند چراغهای هدایتی در مسیر راه بوده و سعادت دنیوی و اخروی در گرو عمل به آن‌ها می‌باشد، پیشنهاد می‌شود طرحی اخلاقی- اجتماعی و جامع در همه زمینه‌ها از سنت‌های الهی تدوین و مانند یک اساسنامه (رفتاری - تربیتی) در اختیار آحاد جامعه قرار گیرد.

۲. جا دارد در شبکه قرآن صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ای با عنوان "سنت‌های الهی" وجود داشته باشد که هر هفته با دعوت از یک کارشناس، و بیان یکی از سنت‌های الهی در قرآن، به تطبیق و بررسی و عملکرد مثبت و منفی آحاد جامعه در قبال این سنت‌ها پردازد.

۳. سنت‌های الهی همیشه بوده و تا انقراض عالم وجود خواهند داشت اما در منابع درسی علی‌الخصوص منابع دانشگاهی، واحدی برای تدریس این درس مهم و ضروری پیش بینی نشده است جا دارد صاحب نظران مسائل تربیتی و پرورشی، یک یا دو واحد درسی را در دانشگاه‌ها به این امر اختصاص دهند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافعی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Divine traditions, as described in the Qur'an, constitute immutable laws established by God for the governance of the universe. These traditions, which reflect divine wisdom and guidance, are essential not only for comprehending the universe's operation but also for organizing human life and education in alignment with spiritual principles (Qur'an, Al-Imran 3:137; An-Nahl 16:36). This study highlights how these divine laws serve as a

۳. جوامع دینی با رعایت اصول و شرایط مدد رسانی ممکن است در نوسانات و فراز و فرودهایی قرار گیرند؛ ولی در پایان از نصرت الهی برخوردار می‌شوند و هیچ گاه در بن بست نمی‌مانند: مانند جنگ تحمیلی و انقلاب اسلامی جزر و مدهای فراوانی دید، ولی عاقبت بر بام بند پیروزی فرود آمد.

۴. ما نباید مظاهر نصرت و امداد الهی را به امور محسوس محدود کنیم بلکه برخی از امور معنوی و نامحسوس نیز از نیروهای امدادی خدا در حساب اند؛ توضیحات خاص الهی، حال دعا و نیایش، از جمله آن‌ها به شمار می‌روند.

نتیجه گیری

بررسی کارکردهای تربیتی سنت‌های الهی یاد شده در قرآن، بیانگر این است که این سنن بهترین الگو برای چیدمان نوع نگرش به دنیا و جهان هستی بوده و نقش تربیتی مهمی را برای مخاطبان قرآن کریم ایفا می‌کنند به عبارتی دیگر شناخت دقیق این سنت‌ها می‌تواند افراد جامعه اسلامی را در مسیر تربیت و تعالی یاری رساند، چرا که هر سنتی نوعی تربیت اخلاقی - اعتقادی را در بردارد.

سنت‌های الهی در واقع از نظام علت و معلول تبعیت نموده و از آنجا که در شرایط خاصی اتفاق می‌افتند، لذا بررسی و تأمل در آن‌ها که همگی تدابیر الهی و بر حسب اراده و گزینش انسان‌ها اتفاق خواهند افتاد، ما را در زمینه علل و عوامل سقوط اخلاقی، اجتماعی افراد و جامعه و حتی تمدن‌ها کمک خواهند نمود.

شناخت کارکرد تربیتی سنت‌های یاد شده در قرآن - که هر کدام به نوع خود حاوی پیامی شفا بخش بوده و به مداوای یک آسیب تربیتی

foundation for cultivating ethical and spiritual dimensions in individuals and societies, thereby fostering harmonious relationships among humans, their environment, and their Creator.

The term "divine traditions" (Sunnatullah) encompasses fixed, universal laws that govern all aspects of existence, both individual and collective. The Qur'an frequently underscores the unchanging nature of these traditions (Qur'an, Fatir 35:43). Notably, the traditions ensure balance and

continuity, influencing natural phenomena, societal dynamics, and moral consequences. For instance, the Qur'an articulates that acts of defiance against divine commands, such as those of past nations, lead to inevitable consequences, thus serving as moral and educational lessons for humanity (Qur'an, Al-An'am 6:11; Al-A'raf 7:86).

The educational role of divine traditions lies in their ability to guide individuals toward ethical living and spiritual growth. By internalizing these laws, people can cultivate virtues such as patience, justice, and gratitude. The Qur'an emphasizes that understanding these principles is pivotal for interpreting worldly events and navigating challenges in a spiritually enriching manner (Qur'an, An-Nahl 16:36). Educators and leaders, in particular, bear the responsibility of instilling these values in learners to promote moral development within the community.

One of the core attributes of divine traditions is their predictability and universal applicability. The Qur'an illustrates that actions yield consistent outcomes, whether blessings or adversities, depending on adherence to or deviation from these laws (Qur'an, Ar-Ra'd 13:11). For example, communities that uphold justice and righteousness experience divine blessings, while those engaging in oppression face retribution. This principle encourages accountability and reinforces the interconnectedness of ethical behavior and societal prosperity.

The Qur'an portrays divine traditions as frameworks for sustaining social stability and progress. Historical accounts of nations, such as those in Surah Hud and Surah Yusuf, provide insight into the consequences of collective moral choices. These narratives underscore the necessity of aligning individual and communal actions with divine guidance to achieve long-term well-being and prevent societal decay (Qur'an, Yusuf 12:111). Educating society about divine traditions involves addressing modern challenges, including moral relativism and secularism. By integrating Qur'anic teachings into educational curricula, educators can offer timeless principles that resonate with

contemporary ethical dilemmas. For example, the principle of "no change in God's laws" (Qur'an, Al-Ahzab 33:38) can be related to concepts of natural law and universal ethics, providing learners with a stable foundation for moral reasoning.

In conclusion, divine traditions encapsulate profound educational and spiritual guidance that transcends temporal and cultural boundaries. Their study and application foster a holistic understanding of human existence, empowering individuals and communities to navigate life with wisdom and integrity. To enhance their impact, it is recommended to integrate these teachings into formal education systems, develop accessible resources for public awareness, and promote interdisciplinary research linking theology, philosophy, and education.

By elucidating the functions of divine traditions, this study contributes to the broader discourse on integrating spirituality into education and social development. Future research should focus on comparative analyses of similar concepts in other religious and philosophical traditions to enrich understanding and foster interfaith dialogue.

References

- Ibn Arabi, M. (1989). *Tafseer al-Quran al-Kareem*. Nasser Khosrow.
- Ibn Athir, M. i. M. (1985). *Al-Nihaya fi Gharib al-Hadith wa al-Athar*.
- Ibn Manzoor, M. i. M. (1985). *Lisan al-Arab*. Adab al-Hawza.
- Jawadi Amoli, A. (2009). *Tafseer Tasneem*. Isara Publishing Center.
- Makarim Shirazi, N. (2007). *Bargozideh Tafseer Namuneh (Selected Tafseer from Tafseer Namuneh)*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Motahhari, M. (1991). *Ashnaii ba Quran*. Sadra Publications.
- Qara'ati, M. (2004). *Tafseer Noor*. Center for Quranic Studies.
- Rumi, J. a.-D. M. B. (1993). *Masnavi (The Spiritual Couplets)*. Behzad.
- Tabatabai, S. M. H. (1997). *Al-Mizan fi Tafseer al-Quran*. Al-Alami Publishing Institute.
- Tayyib, S. A. a.-H. (1999). *Atayeb al-Bayan fi Tafseer al-Quran*. Islamic Publications.
- Yaghoubian, M. H. (2019). *Haqiqat Wahi (The Truth of Revelation), with emphasis on the views of*

philosophers. Research Institute for Culture and
Islamic Thought.